

روابط ایران با کشور چین

بقلم علاء الدین آذری (دکتر در تاریخ)

بررسی های تاریخی « آذر و دی ۱۳۴۹ - شماره ۲۹

روابط ایران با کشور چین (پیش از اسلام) سابقه روابط ایران و چین بسیار ممتد و طولانی است نوشته‌های مورخ چینی و گزارشها و سالنامه‌های منظم و مرتب آنها که بیادگار مانده است صحت این مسئله را تصدیق و تأیید مینماید «چین را بهشت تاریخ‌گزاران خوانده‌اند صدها و هزاران سال است که تاریخ- نویسان رسمی آن کشور همه وقایع را ثبت کرده‌اند و از این بالاتر خود نیز چیزها بر تاریخ افزوده‌اند»^۱

از روابط مادها و هخامنشیان با چینی‌ها هیچگونه اطلاعی نداریم در اسناد چینی هم به این موضوع اشاره‌ای نشده است تاریخ‌نویسان یونانی هم در نوشته‌های خود نامی از کشور مزبور نمیبرند و اصولاً از وجود مملکتی متمدن و کهنسال مانند چین بی‌خبر بوده‌اند، مورخان اسلامی هم که غالباً در اینمورد افسانه‌سرایی کرده‌اند کمکی بروشن شدن موضوع نمینمایند. باید بخاطر آوریم که مرزهای شاهنشاهی هخامنشی در زمان داریوش کبیر که فاتح قسمتی از هندوستان غربی بود بسر حدات چین بسیار نزدیک شده بود بنابراین خلاف حقیقت خواهد بود اگر بگوئیم هیچگونه مراوده و تماسی بین ملل دو کشور بزرگ وجود نداشته است. از طرفی بر حسب تحقیقات و مطالعاتی که صورت گرفته است معلوم شده که حتی قبل از تشکیل دولت پارس چینی‌ها با بابلی‌ها روابطی داشته‌اند «اطلاعات نجحومی مصریان و حتی مردم چین نیز ظاهراً تحت‌تأثیر معلومات بابلی‌ها قرار گرفته و در چین مخصوصاً عین عقیده بابلی‌ها درباره عالم فلکی (دنیای بزرگ) و عالم انسانی (دنیای کوچک) رواج داشت»^۲

یعقوبی در تاریخ خود مطالبی راجع بشاهان چین نوشته و علاقه آنها را در خصوص ایجاد ارتباط و تماس با بابل متذکر شده است:^۳

«پادشاه دیگر خرابات بود در جوانی پادشاه شد سپس که از جوانی گذشت کارش بالا گرفت و تدبیرش نیکو شد کسانی را از طرف خود بزمین بابل و آنچه از کشور روم بدان وابسته بود فرستاده تا حکمت و صنعت آنها را بشناسد از صنایع چین و آنچه از جامه‌های ابریشم و جز آن در چین ساخته میشود و افزار- هائی که از چین صادر میگردد همراه آنها فرستاد و هم آنها را فرمود تا از هر صنعت و هنر زیبایی از زمین بابل و روم با خود همراه بیاورند و احکام دینی آنها را نیک بشناسند. پس برای اول بار کالاهای چین برای تجارت حمل شد، زیرا که پادشاهان کالای چین را زیبا یافته و پسندیدند و کشتی‌ها ساختند و کالاهای تجارتی در آنها بچین فرستادند و بازرگانان خارجی برای اولین مرتبه بچین آمدند.»^۴

پس از تشکیل دولت یونانی در باختر، روابط امپراطوری چین با دولت اخیر الذکر آغاز میگردد بر طبق منابع موجود چینی، نمایندگان برای برقراری مناسبات اقتصادی و سیاسی عازم باختر میشوند و پس از وصول بحمل مأموریت و مطالعه در اوضاع و احوال طبیعی و سیاسی و اجتماعی بچین مراجعت کرده و گزارش میدهند که بسبب دوری راه برقراری روابط با باختر بصلاح و صرفه نیست. باید خاطرنشان ساخت که وجود طوایف زرد پوست و وحشی یوئه‌چی که راه عبور باختر و رخج را به چین سد کرده بودند و در غارت و کشتار مسافران و تجار درنگ نمیکردند عامل مهم قطع ارتباط بوده است فغفور چین سفیری بنزد یوئه‌چی‌ها فرستاد و پیغام داد که به مساکن اولیه خود بازگردند و مانع عبور قوافل و کاروانها نشوند ولی این طوایف که بسرزمینهای جدید دل بستگی یافته بودند نپذیرفتند سفیر امپراطور که چانگ کی ین نام داشت در سال ۱۲۶ ق.م بدون اخذ نتیجه باز گشت و در طول راه دوبار مورد حمله و تعرض هونها قرار گرفت.

در دوره جانشینان اسکندر (سلوکی‌ها) یک راه تجارتی ایران را به ترکستان و چینی مربوط میساخت البته این راه، راه ابریشم نبود والی محصولات پشم سوریه را به مغولستان میرساند.

شادروان حسن پیرنیا در تاریخ ایران باستان در مورد روابط ایران اشکانی با چینیان مطالبی بشرح زیر نوشته است:^۵ «از تجارت ایران با ممالک دیگر غیر از روم اطلاعاتی از دوره پارتی نیست و نمیدانیم که چه بایران وارد و چه از آن صادر میشده فقط در نوشته‌های چینی در یک مورد از روابطی که «با دولت اشکانی داشته‌اند ذکر شده آنهم راجع بزمان مهرداد دوم اشک نهم از سلاطین بزرگ و نامدار اشکانی است که عنوان کبیر دارد (۱۲۴-۷۶ ق- م) است در این زمان بین ۱۲۰ و ۸۸ ق.م در دفعه اولی سفارتی بایران آمده و نیز در ۹۷ میلادی کان بینگ نامی از طرف سردار معروف چین (پان چا او) یا فان چائو بایران و روم فرستاده این سفیر از شهر صد دروازه و همادن تا بابل رفته و میخواست از خلیج فارس تا خلیج عقبه در دریای احمر از راه دریا برود ولی بعد منصرف شده در این زمان آن

سی‌ها(اشکانیان) در ناحیه میسن(دشت میشان) ساکن بودند سفیر از برخورد با آنها واهمه داشت دکتر مشکور در کتاب تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان مینویسد ۸ شرحی که سفیران چین درباره کشور پارت نوشته‌اند چنین است که:

«در آن سرزمین برنج و جو و گندم کشت میشده و شهرها دارای حصار و دیوار بوده و گذشته از آن از رواج سکه‌هایی از نقره یاد میکنند که بر آن صورت پادشاه معاصر منقوش بوده است و نیز مینویسد که برخلاف چینیان که خط خود را بطور عمودی از بالا به پائین مینویسد پارتیان خط خود را بطور افقی پهلوی هم روی پوست مینویسند...»

گوتشمید ۱۰ نویسنده تاریخ ایران با استفاده منابع چینی در خصوص مناسبات چینی‌ها با پارتها اشاره میکند ۱۱ «چین بنظر میاید که دولت پارتی وقت نخواست چینی‌ها راههای دریائی را بدانند و بعد از چندی باز سفیری آمده و مینویسد(تسین) یعنی رومیها میخواهند از راه ایران با چین تجارت نمایند ولی آن سیه یعنی پارتها مانع‌اند و میخواهند که تجارت ابریشم چین توسط آنها بشود بعد دیده میشود که بواسطه این ممانعت امپراطور روم مارک ارل ۱۲ در سال ۱۶۶ میلادی مال التجاره‌ای مثل استخوان فیل و لاک پشت از راه هند و چین میفرستد این اطلاعات دلالت میکند بر اینکه ایران واسطه تجارت بین شرق و غرب بوده است.»

چینی‌ها مانند اعراب و فرانسویان معمولات اسامی و کلمات بیگانه را برای سهولت در تلفظ تحریف کرده و تغییرات فاحشی در آن وارد میساختند دخل و تصرف آنها در این کلمات بحدی بود که تشخیص اسامی اولیه و اصلی بی‌نهایت مشکل بود ایران را یوسه ۱۳ و هیاطله یا هونهار(یزا) میخواندند.

در نوشته‌های وقایع نگاران اسلامی هم اسامی چینی بکلی تحریف شده و از هیأت چینی خود بکلی خارج گردیده است مورخان اسلامی که اطلاع کمتری از اوضاع و احوال چین داشته‌اند غالباً مطالبی یادآور شده‌اند که ذکر آنها خالی از لطف نیست یعقوبی مینویسد ۱ «چینی اظهار کرده‌اند که اول پادشاه چین صاین بوده و بنام اوصین نامیده شد، از پادشاهان دیگر چین عینان بود که مردم کشور خود را در عذاب و شکنجه داشت و آنها را بجزیره‌های دریا تبعید کرد مردم از آن جزیره‌ها بجاهای میوه‌دار میرفتند تا میوه خورند و در آنجاها به ددان بر میخوردند تا آنکه پس از مدتی با ددان انس گرفته و ددها نیز با اینها خو گرفتند تا آنجا که گاهی با ددها در میامیختند و گاهی هم ددان بازان اینها آمیزش داشتند و فرزندان زشت و بی‌تناسبی پیدا میشد.

مردم قرن اول نابود شدند و قرنی پس از قرنی رسیده تا آنکه زبانشان از دست رفت و چنان سخن میگفتند که فهمیده نمیشد اکنون در جزیره‌هایی که از آنها بچین میروند از اینگونه مردم فراوان هستند.»

در زمان سلطنت پاکر دوم از سلاطین اشکانی(۱۰۸-۷۸ م) که در اسناد چینی از او بنام موئون کیو ۱۵ یاد شده حاکم تاتارستان موسوم به خان چائو که ممکن است همان پان چائو سردار معروف باشد از جانب فغفور چین نمایندگانی از طریق ایران بسوی سرزمین تسین بزرگ یا روم میفرستد ولی سفرها که بعنوان مختلف از جانب پارتها تهدید و در عین حال مرعوب شده بودند بدون اخذ نتیج باز میگردد. علت موجب آنرا باید در مسائل اقتصادی اینزمان جستجو کرد چه پارتها که از تجارت ابریشم چین سود میبردند مایل نبودند چینی‌ها مستقیماً با رومیان وارد وذاکره شده و آنها را که واسطه اینکارند بی‌نصیب سازند.

در اسناد چینی آمده است که وقتی فرستادگان آندولت قصد مراجعت داشتند پادشاه اشکانی(آن سی) چند رأس شیر و آهو برای فغفور فرستاده است

آنها این هدایا را بعنوان باج به حساب آورده‌اند. ذکر این موضوع که چینی‌ها خود را از تمام ملل بالاتر و برتر میدانستند در اینجا ضرورت دارد.

ویل دورانت مینویسد: ۱۶

«چینیان خود این نکته را انکار نمیکنند که تا قرن حاضر همه آنان ساکنان اروپا و امریکا را وحشی میشمردند اکنون هم در چین فقط افرادی استثنائی جز این می‌اندیشند، پیش از سال ۱۸۶۰ مرسوم بود که در اسناد رسمی بجای کلمه بیگانه واژه بربری بکار میبردند و بیگانگان ناگزیر بودند که از طریق عهدنامه‌هایی اصلاح این ترجمه را خواستار شوند.»

در دوره اشکانیان بعلت گذشت و اغماض آنها در مسائل مذهبی و علل دیگر آیین بودا در ایران پیروان بسیار بدست آورد و حتی برخی از شاهزادگان این سلسله باین دین گرویدند، در منابع چینی از آنها یاد شده است اسامی برخی از آنها را در اینجا ذکر می‌نمایم. ۱۷

۱-ان هوان ۱۸ از شاهزادگان اشکانی و مردمی نیکسیرت بود برای تبلیغ دین بودائی بچین رفت و فغفور چین او را در لشکر خود منصب سرهنگی داد.

۲-ت-ان-وو-تی ۱۹ یک مبلغ بودائی از اهل پارت بود. وی بسبب اطلاعات وسیعی که از زبان پالی و کیش بودائی داشت در سال ۲۵۴ میلادی بچین سفر کرد.

۳-ان فاجین ۲۰ راهبی از ایالت پالت بود. و در حدود سال ۲۸۱-۳۰۶ چندین کتاب بچینی ترجمه کرد که سه جلد از آنها پیش از سال ۷۳۰ میلادی از دست رفته و دو جلد هنوز موجود است.

۴-ان فاهین ۲۱ از بودائیان اشکانی...

در زمان اشکانیان کالای چین مخصوصا ابریشم از آن کشور بایران وارد میشد و از ایران بچین صادر میگردد و یکی از منابع مهم ثروت بود بنابراین زمامداران آن وقت ایران حق داشتند که از منابع خود دفاع و مراقبت کنند. ۲۲

«در طی قرن سوم میلادی بطوریکه از مطالعه نقوش سکه‌های مستفاد میشود آئین بودائی به سرعت در ایران رخنه کرده است. پرویز پادشاه سرزمین کوشان (که پادشاهان آنرا کوشان شاه مینامیدند) برادر شاپور اول در عین حال که خود را زرتشتی مینامید بودا را ستایش میکرده است.

نباید فراموش کرد که نفوذ عقاید بودا نه تنها در مشرق ایران بلکه در منتهی الیه قسمت غربی آنهم گسترش یافته بود، هیاتهای مذهبی متعددی از سوی مشرق خود را به بابل رسانده و برای اشاعه معتقدات خویش حتی تا مسن نیز پیشرفته‌اند» ۲۳

در دوره ساسانیان (۶۵۱-۲۲۶م) روابط ایران و چین توسعه و گسترش بیشتری می‌یابد در دوره محصولات و مصنوعات ایران مورد توجه چینی‌ها قرار میگیرد ۲۴ و مقدار زیادی از آنها بدان سرزمین صادر میشود. پسته و زعفران و حنا و کتیرا و نیل و برنج و شکر و زیره و خرما و کرچک و زیتون لاجورد و کهربا و مرجان و سنگهای قیمتی و غیره جزئی از فرستاده‌های ایران به کشور مزبور بود.

شادوران سعید نفیسی معتقد است که نام‌های بسیاری از محصولات ایران وارد زبان چینی شده و مردم چین آنرا به تلفظ خود درآورده‌اند و یا رویهمرفته نزدیک به ۲۲۰ کلمه از زبانهای ایرانی بزبان چینی رفته است. ۲۵

اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۶) نخستین شه‌ریار خاندان عظیم الشان ساسانی که احیاء کننده آیین زرتشت بود دستور داد که نسخه‌های متعدد اوستا و کتب با ارزش دیگر را که در سر تا سر امپراطوری او و حتی خارج از آنست گردآورند و از آن یک نسخه کامل ترتیب دهند، تنسر مامور این کار شد.

مؤلف الفهرست باین موضوع اشاره میکند: ۲۶ تا آنکه اردشیر بن بابک از خاندان ساسانی به پادشاهی رسید، همینکه زمام کلیه امور را به دست گرفت، مردمانی را بهند و چین و روم فرستاد تا از تمام کتابهاییکه نزدشان بود نسخه برداری کنند».

ظهور مانی در زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱) و سفرهای وی به چین و ترکستان و هند باعث پیشرفت آیین وی در این صفحات شد.

دیری نپائید که مانویت علمگیر شد و در هر گوشه دنیای آن زمان گروهی هوادار و مرید صادق یافت و در سال ۷۳۲ میلاد امپراطور چین که خود مذهب دیگری داشت ۲۷ طی فرمانی آیین مانی را آزاد شناخت و دستور داد که پیروان این دین در سرزمین آسمانی چین در نهایت آزادی به اجرای مراسم دینی خود پردازند. در زبانی چینی مانی را مومونی یا مارمانی میخواندند. ۲۸

در سالهای ۷۶۸ و ۷۷۱ اجازه تأسیس معابد و عبادتگاه‌های در برخی از نواحی چین بمانویان داده شد. امروزه برخی از اسناد مانوی بزبان چینی است. ابن ندیم مینویسد: «مانی هندیان و چینیان و خراسانیان را بخود خوانده و دز آنجا نماینده‌ای از خود داشت» ۲۹.

زمانیکه سلسله توپوای ۳۰ قدرت را در چین شمالی قبضه کرده بود روابط سیاسی و اقتصادی ایران با این خاندان آغاز گردید. پرفسور آرتور- کریستن سن مینویسد: «در زمان آمین مارسان ۳۱ همه ساله در اوایل سپتامبر بازار بزرگی در شهر بتنه واقع در نزدیکی ساحل شرقی فرات مفتوح میشد که متاع چین و کلای هند در آنجا فراهم میآمد. ص ۱۴۸

بنا به اسناد چینی ده بار سفارت میان چین و ایران مبادله شد فیروز شاهنشاه ساسانی (۴۸۳-۴۵۸) که مدت‌ها سرگرم نبرد با قوم هبیطال بود و سرانجام نیز در همین محاربات جان باخت با چینیان روابط سیاسی برقرار کرد. در زمان قباد (کواذ ۵۳۱-۴۸۷) این رابطه بار دیگر از سر گرفته شد و فغفور چین بوسیله سفرای خود نامه‌ای برای شن کیوی (شاهنشاه قباد) فرستاد که مضمون آن برقرار زیر است:

«از فغفور، کشور بزرگ‌زاده از آسمان، امیدوارم بدانجائی که خورشید در می‌آید و از آن پسر آسمان خواهد بود کوک، و، تو هزار بلکه ده هزار بار نماز برد و در دربار چین خدمت او را می‌پذیرد و از این بعد هیأت سفیران را مکرر خواهد فرستاد.» این نامه را شادروان حسن پیرنیا با اختلاف کمی در کتاب خود آورده است:

«پسر مملکت بزرگ آسمانی‌زاده آسمان است و ما امیدواریم جائی که آفتاب طلوع میکند همیشه متعلق به پسر آسمان در زمین باشد شاه ایران کوهوتو (مقصود قباد یا کواذ است) از راه تمکین هزار و ده هزار کرنش میکند این اظهارات را دربار بخوبی تلقی کرد و از آن بعد آنها زود بزود هدایا بدربار می‌فرستادند در سال دوم (مطابق ۵۵۵ میلادی میشود).

یکی از مورخین چینی نوشته است که پایتخت ایران (طیسفون) که آنها سوهلی ۳۲ مینامیدند، بیش از یک هزار خانوار جمعیت داشته است زمین آنجا هموار و طلا و نقره و مرجان و عنبر گرانها و شیشیه آلات و بلور و الماس و پارچه‌های ملیله‌دوزی و قلاب‌دوزی و پنبه و قالی و پرده و قلاب-دوزی و کاغذ دیواری در آنجا پیدا میشد هوا بسیار گرم و مردم در خانه یخ میگذاشتند، زمین بیشتر ریگزار و برای آبیاری آب از راه قنات یا کاریز به کشتزار میرساندند و از غله و حبوب پنج نوع در آنجا پیدا میشد. اسب خوب داشت و الاغ بزرگ و شتر و شیر و مرغی که تخم بزرگ میگذازد و مانند شتر است و دو بال داشت که با آن میتوانست تند برود که نزدیک به پرواز باشد و هم مرغ علفخوار و هم گوشت میخورد و از گزارشی که درباره شاه ایران نوشته‌اند مینویسند تخت پادشاه از زر ساخته‌شده و پایه صورت شیر را دارد و تاج پادشاه گرانهاست و تفصیلی از جامه و رسم جانشینی و القاب درباریان نیز داده‌اند و از مه تن ۳۴ یعنی موبد و سی پویوه ۳۵ (سپهبد) و از ازدواج با خویشان نزدیک اشاره شده ۳۶».

در ایام سلطنت ساسانیان مبلغان مسیحی از طریق ایران به چین و هند رفته و با شاعه آیین خود همت گماشته‌اند وقتی شعبه نسطوری آیین مسیح در کنف حمایت شهریاران ساسانی فرار گرفت بیش از پیش در توسعه و گسترش این دین کوشش بعمل آمد. در کتاب مسیحیت در ایران مطالبی در این خصوص مندرج است ۳۷ در دوره ساسانی نسطوریان مغرب ایران به دورترین ایالات شمال شرقی ایران یعنی باسیاک مرکزی و افغانستان امروز رفته و کلیساهائی در این سو و آن سو رود حیچون تشکیل داده‌اند و از آنجا اندک، اندک به چین رفته‌اند، قطعا نسطوریانی که در چین پیدا شده‌اند از ایران و از همین نواحی رفته‌اند چنانکه اسلام هم از همین نواحی بچین رفته است.

در زمان خسرو اول انوشیروان ۵۷۹-۵۳۱ روابط ایران و چین توسعه می‌یابد و مبادله سفرا کماکان ادامه دارد انوشیروان سفیری بدربار فغفور چین فرستاد، هدف از این سفرت معلوم نیست گویا بسبب هجوم ترکان بسرزمین باختر از امپراطور چین که او نیز از حملات ترکان بستوه آمده بود تقاضای کمک و یاری نموده است. مورخان اسلامی درباره انوشیروان و روابط او با چینی‌ها مطالبی نوشته‌اند که بشرح آنها می‌پردازیم:

بلعمی مینویسد: ۳۸ «گفت این چینستان چه جائیست که آن رسول هند او را صفت چینستان بکرد و نیکوئی و شهرهای بسیار و نعمت فراخ و چیزهای طرفه که از آنجا خیزد. چون رسول بازگشت، او در آن حریر و پرنیان نرم و آن طریقه‌ها که هرگز ندیده بود بر آن آورد».

مسعودی در مروج الذهب ۳۹ نقل میکند: «شاه چین بدو نوشت:

از فغفور پادشاه چین و صاحب قصر و در گوهر او دو جوی از عود و کافور میرود که بوی آن از دو فرسنگ احساس میشود که دختران هزار شاه خدمت او میکنند که در اصطبل خود هزار فیل سفید دارد. برادرش خسرو- انوشیروان، یک اسب از مروارید پکانیده هدیه او کرده بود که دیدگان سوار و اسب از یاقوت سرخ بود و دسته شمشیرش از زمرد گوهر نشان بود با یک جامه ابریشم چینی طلائی رنگ که تصویر شاه با زیور و تاج در ایوان نششسته و خدمه بپا ایستاده و مگس پرانها بدست با رشته‌های طلا بر آن نقش بود و زمینی جامه لاجوردی بود و در زنبیل طلا جا داشت و کنیزی که در میان موی خود گم شده بود و جمال خیریه کنه داشت حامل آن بود با چیزهای دیگر از تحفه‌های عجیب که از دیار چین آرند».

مؤلف فارسنامه مطلب ذیل را نقل کرده ۴۰: «دو جمله این بارگاه انوشیروان آن بود کی از دست راست تخت او کرسی زر نهاده بود و از دست چپ و پس همچنین کرسی‌ها زر نهاده بود و از این سه کرسی یکی جای ملک چین بودی و دیگری جا ملک روم بودی و سه دیگر جا یملک خزر بودی.

کی چون بیارگاه او آمدندی برین کرسیها نشستندی و همه ساله این سه کرسی نهاده بودی و برنداشتی و جز این سه کس دیگر بر آن نیارستی نشستن».

در زمان سلطنت انوشیروان و حتی قبل از او ایرانیان از طریق دریا با هندیها و چینیها ارتباط و تماس داشتند سفاین ایرانی از بندر معروف ابله ۴۱ پس از بارگیری کالای تجارتنی عازم چین میشدند یکی از جهانگردان چینی موسوم به آی چینگ ۴۲ مینویسد:

«در آغاز پائیز سال ۶۷۱ میلادی بشهر کوانگ-تونگ ۴۳ آمدم و آنجا رو زملاقات خود را با ناخدای یک کشتی پوسه (پارسی-ایرانی) برای سفر بسوی چین تعیین کردم و سرانجام از کرانه کوانگ چو ۴۴ (کانتون بندر معروف چین) به کشتی درآمدم و سپس از آنجا به سوماترا (از جزایر بزرگ اندونزی) رفتم.»

در سفرنامه یکی از زوار بودائی چین بنام هیوئن تسیانگ (هوان تسانگ) که در سال ۶۲۹ تا ۶۳۰ سفر کرده است شرح مختصری در خصوص ایران و ایرانیان آن زمان درج شده است البته لازم بتذکر است که جهانگرد مذکور شخصا از ایران بازدید نکرده بلکه اطلاعاتی از این و آن بدست آورده است.

مختصری از نوشته‌های او را نقل می‌کنیم ۴۵. «ایرانی‌ها طبعاً تندخو و عصبی هستند بفوریت خشمگین میشوند و مبادی آداب نیستند» درباره مشرق فلات ایران که در زمان وی جزء امپراطوری ایران بود مینویسد:

«بعضی از درختان هندی در آنجا میروید کشتزارهای گندم و برنج و باغهای میوه در آنجا فراوان است کشتزارها با آب جویها و باران آبیاری میشوند، اهالی آنجا در هیكل تراشی و کنده‌کاری بر روی فلزات ماهرند روی سکه‌های آنان تصاویر انسان و در پشت آن صورت سواری دیده میشود و حیواناتی از قبیل گاو کوهان‌دار و بوزینه و فیل و طاووس در آنجا یافت میشود.»

وسمه یکی از اقلام صادراتی ایران بود که چینی‌ها با میل و رغبت بخیرد آن شایق بودند چه ملکه آنها که به زیبایی آن خود دلپستگی داشت برای مصارف شخصی خود مرتباً سفارش میداد ۴۶.

پرفسور هانری ماسه درباره انوشیروان و نقشی که دولت او در خصوص مناسبات تجاری و سیاسی با مشرق و غرب داشته بحث میکند ۴۷

«ظاهراً ایران بنگام سلطنت خسرو نقش خویش را بعنوان واسطه بین بیزانس (امپراطوری روم شرقی) و هند و چین با فروغ خاصی ایفا نمود.»

پس از شکست یزد گرد سوم در جنگ با تازیان روابط ایران با چین بیش از پیش توسعه مییابد در اسناد چینی مذکور است که یزد گرد (پسه پسه) ۴۸ از پسر آسمان امپراطور تائی تسونگ ۴۹-۶۵۰-۶۳۷ کمک خواست و او بعلت دوری راه یا علل دیگر از کمکو مساعدت خودداری کرد (شاید فغفور نمیخواست که با کمک پشاهنشاه ساسانی سرحدات خود را با حملات اعراب دچار مخاطره سازد) یزد گرد سوم برای حفظ اموال و خزاین خود مصمم شد آنرا با عده‌ای از شاهزادگان و بزرگان بچین بفرستد این ندیم باین موضوع اشاره کرده است ۵۰

«گویند فریدون بن ائفیان وقتی که زمین را میان فرزندان خود سلم و طور و ایرج تقسیم نمود بهریک ثلث قسمت‌آباد را بخشوده و این را در نامه «نوشته و بانان داد.»

(اماد) موبد بمن گفت: آن نیشته در نزد پادشاه چین است که در روزگار یزد گرد با گنجینه‌های ایران نزد او فرستاده شد و لله اعلم.»

عبد الله بن المقنع نوشته که در میان ذخیره گنجینه‌ها هفت هزار ظرف طلا بود که بفرمان کواذ ساخته بودند و هریک از آنها دوازده هزار مثقال وزن داشت و بجز آن مقدار کثیری سکه‌های سیم از پادشاهان ساسانی و هزار بار شمش طلا بود و مقدار کثیری هم سکه‌های زر. یزدگرد در سال ۶۳۸ نماینده ب حضور فغفور چین گسیل داشت، نام او را مورخان چینی موسه پان ۵۱ ذکر کرده‌اند سفیر ایران برای امپراطور از جانب شاهنشاه ساسانی هدایائی برده بود که آنها مطابق معمول خودشان آنرا باج و خراج قلمداد کرده‌اند.

در بین هدایا حیوانی بود که چینی‌ها آنرا هونوژو ۵۲ نام برده‌اند این حیوان شبیه موش بود و قدش باندازه بند انگشت میرسیده و رنگش بسبزی مایل بود و میتوانست موش را از سوراخ بگیرد طاهرا این جانور گربه است که برای اولین بار بچین برده شد یزد گرد پس از شکست دیگر از اعراب بایالت تخلصتان ۵۳ رفت. این ایالت در شمال شرقی ایران واقع بود که مدتها متعلق به ایران بود ولی در اواخر قرن هفتم میلادی ترکستان شرقی تخارستان

بوسیله چینی‌ها اشغال شد در تخارستان فغفور چین تائی توسونگ بوسیله سفیر خود به یزد گرد اطلاع داد که نمیتواند مددی باو در قبال تازیان بنماید.

چون یزد گرد از جانب چینی‌ها ناامید شد مدتی را در ترکستان گذراند سرانجام در حوالی مرو در سنه ۶۵۱ بهلاکت رسید.

شادروان پوزداود مینوسد ۵۴: «پس زا مرگ یزد گرد ایرانیان دسته دسته جلای وطن کردند گروهی با پسر یزد گرد موسوم به پیلوسه ۵۵ (پرویز) له تخارستان که آنوقت متعلق به چین بود پناه بردند».

فیرو در تخارستان مورد استقبال حاکم آن‌که چینی بود قرار گرفت و با موافقت فغفور بسطنت آن ناحیه رسید ۶۶۲.

دیری نپائید که تازیان به تخارستان حمله ور شدند فیروز بناچار به چین رفت و در دربار امپراطور مقام و منزلتی والا یافت. و جزء افسران محافظ فغفور قرا گرفت او بکمک زرتشتیان ایرانی ک بچین رفته بودند آتشکده در شهر چانینگ ۵۶ پایتخت آنزمان چین بنا نهاد که معبد ایران نام گرفت.

فیروز که مایل بود تاج و تخت از دست رفته پدر را از تازیان بگیرد دائما درصدد طرح نقشه بود که باین آرزو جامه عمل ببوشاند بهمین مقصود با تشویق امپراطور که او را شاهنشاه ایران می‌شناخت مجددا عازم تخارستان شد و در پناه کوهستانهای آن خطه مقام گرفت کمی بعد فغفور چین کائوتسونگ ۵۷ پس از سه سال مبارزه ایالات غربی امپراطوری را از دست ترکان خارج کرد و حکومت آنرا به فیروز داد پایتخت این ایالات را تسی-لینگ ۵۸ نوشته‌اند. این بار نیز بر اثر تاخت و تاز تازیان فیروز برای همیشه بچین رفت و در سال ۶۷۷ میلادی درگذشت.

بعد از مرگ فیروز فرزندش نرسی که چینیان (نی نیسه یانی نیسته) ۵۹ میگفتند با حفظ مقام افتخاری پدر بخدمت امپراطور رفت و در جنگ بر علیه ترکان مخالف او شرکت کرد پنی هینگ، کین ۶۰ امپراطور چین نرسی را به تخارستان فرستاد یکی از سرداران بزرگ چین همراه نرسی بود ولی بین این دو اختلاف شد و مسئله لشکرکشی به ایران که مورد نظر شاهزاده بود بهیچوجه عملی نگردید. نرسی ۲۰ سال در تخارستان بود سرانجام بعلت لشکرکشی (۵۶) -chaniga?n یا چانگان مجدد تازیان باین ناحیه بچین بازگشت و بمقام فرماندهی قراولان دست چپ امپراطور رسید- نام فغفور جدید را کینگ، لونگ ۶۱ نوشته‌اند.

آخرین افراد خانواده ساسانی را که مورخان و وقایع‌نگاران چینی نامبرده‌اند پوشان هونو ۶۲ (پشنگ) و پسرش خسرو بوده که مدعی تاج و تخت ساسانی بوده‌اند نام این آخری در وقایع سال ۱۱۰ هجری قمری بسیار برده شده حتی کتب تازی هم آنرا ضبط کرده‌اند (پشنگ تا سال ۷۲۸ یا ۷۲۹ میزیسته است).

از این بعد دیگر نامی از شاهزادگان ساسانی نه در اسناد و سالنامه‌های چینی و نه در نوشته‌های وقایع‌نگاران اسلامی دیده نمیشود و در اینخصوص بکلی سکوت کرده‌اند، ولی در کتاب ایران‌شاه ۶۲ راجع بوجود شاهزادگان پاک نهاد ساسانی در چین و مهاجرت موبدان برای دیدار آنها اشاراتی شده است:

«قرائتی در دست است که پس از تاخت و تا عریها مهاجرت ایرانیان بطرف چین معمول بود منوچهر موبدان، موبد فارس و کرمان در قرن نهم میلادی کاغذی در پهلوی برادر جوانتر خود زاد سپهرم که او نیز موبدان موبد سیرکان مینویسد و از بدعت‌هایی که او در دین گذاشت شکایت میکند و میگوید از این ننگی که تو در خاندان ما گذاشتی باید من فرار کرده بچین روم، معلوم است بودن زرتشتیان در چین بواسطه شهزادگان ایرانی که در آنجا بودند بیشتر از هندوستان شهرت داشته است.

پی نوشت :

(۱)-ر ک به تاریخ تمدن تألیف ویل دورانت ترجمه آریان پور ص ۸۹۱

(۲)-ر.ک به تاریخ ملل قدیم آسیای غربی تألیف دکتر احمد بهمنش ص ۱۰۷ سلسله‌های معروف چین نقل از تاریخ تمدن ویل دورانت ص ۸۸۲-۸۸۴ فرمانروایان افسانه‌ای ۱-دودمان شیا ۲-دودمان چو ۳-دودمان چین ۴-دودمان هان ۵-دودمانهای فرعی ۶-دودمان نانگ ۷-دودمانهای کوچک پنجگانه ۸-دودمان سونگ شمالی ۹-دودمان سونگ جنوبی ۱۰-دودمان مغولی یوان ۱۱-دودمان مینگ ۱۲-دودمان چینگ (منچو)

(۳)-ر.ک تاریخ یعقوبی ترجمه دکتر آیتی ص ۲۲۳

(۴)-ر.ک همان کتاب ص ۲۲۴

(۵)-ابن خردادبه در کتاب المسالك و الممالک(متن عربی ص ۱۶)لقب پادشاه چین را بغبور ذکر کرده است:فلک الصين بغبور.ابن ندیم مؤلف الفهرست ص ۶۲۶-معنی بغبور بزبان چینی پسر آسمان بوده یعنی از آسمان فرود آمده.

(۶)-ص ۲۶۹۸

(۷)- kan-ying در کتاب تاریخ اجتماعی دکتر مشکور ص ۴۹۳ نام این شخص کیو-کان-ینگ kio-kan-yng ذکر شده است.

(۸)-ص ۴۹۰

(۹)-چینیان با مو مینویسند و آنرا مانند نقاشان بر سر لوحه‌ای قرار دهند(ر.ک الفهرست ابن الندیم ص ۳۵).

(۱۰)- gutschmid

(۱۱)-ص ۱۲۸-۱۴۸

(۱۲)- (180-161) marc-aure?le میلادی)با تقوی‌ترین و پرهیزکارترین امپراطوران روم بود.

(۱۳)- po-ses پوسز

(۱۴)-تاریخ یعقوبی ص ۲۲۲

(۱۵)- muon-kiu

(۱۶)-تاریخ تمدن-مشرق زمین گاهواره تمدن ص ۸۸۸

(۱۷)-ر.ک به تاریخ اجتماعی دکتر مشکور ص ۱۴۶

(۱۸)- an-huan

(۱۹)- t-an-wu-ti

(۲۰)- an-fa-chin

(۲۱)- an-fa-hien

(۲۲)-مهمترین کالائی که از ایران بصورت ترانزیت میگذشت ابریشم بود اما چون ایرانیان مقدار بسیاری از ابریشم خام چینی را که وارد میکردند بخود تخصیص می‌دادند قادر بودند که محصولات خوی شار بهر قیمتی بخواهند بممالک مغرب زمین بفروشند (ر.ک ایران در زمان ساسانیان، پرفسور آرتور کریستن سن ص ۱۴۹)

(۲۳)-ر.ک به تاریخ تمدن ایران توجه جواد محبی ص ۱۸۸-۱۸۹

(۲۴)-رسم چین بود که دانشمندان و معلمان و کارگزاران دیوانی را طبقه اول و کشاورزان را طبقه دوم و صنعتگران را طبقه سوم و بازرگانان را طبقه چهارم اجتماعی بشمرند، چینیان چنان میگفتند که بازرگانان از همه فرومایه‌ترند زیرا از طریق مبادله دسترنج دیگران مال می‌اندوزند.ر.ک بتاریخ تمدن ویل دورانت ص ۱۰۵

(۲۵)-ر.ک بتاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۱۵۷-۱۵۹

(۲۶)-ص ۴۳۷

(۲۷) از آئین مذهبی چینیان تعظیم و پرستش پادشاهان بود و این کاریست که همه مردم انجام دهند ولی مذهب پادشاهان و بزرگان ثوی و سمی است ر.ک به کتاب الفهرست ص ۶۲۸

(۲۸) - mo-moni-mar mani

(۲۹) - الفهرست ص ۵۸۴

(۳۰) - tu-bawei

(۳۱) - از مورخان مشهور و رومی معاصر شاپور ذوالا کتاب ammien-kivei

(۳۲) - shen-kivei

(۳۳) - suhli

(۳۴) - mah-u-tan

(۳۵) - sieh-pu-puh

(۳۶) - ر.ک بکتاب ایران نامه پرفسور عباس شوشتری (مهرین) ص ۱۷۴

(۳۷) - تألیف شادروان سعید نفیسی ص ۱۸

(۳۸) - ر.ک بتاریخ بلعمی از ابو علی محمد بن محمد بلعمی تکلمه و ترجمهء تاریخ طبری تألیف ابو جعفر محمد بن جریر طبری بتصحیح مرحوم محمد تقی بهار (ملک الشعراء) بکوشش محمد پروین گنابادی ص ۶۸۲

(۳۹) - ص ۲۶۰

(۴۰) - ص ۹۷

(۴۱) - نزدیک بندر بصره کنونی

(۴۲) - i-ching ر.ک بتاریخ اجتماعی دکتر جواد مشکور ص ۴۹۸-۴۹۹

(۴۳) - kwang-tung

(۴۴) - kwang-chou

(۴۵) - ر.ک بتاریخ اجتماعی دکتر مشکور ص ۴۹۹

(۴۶) - ر.ک بتاریخ ایران در زمان ساسانیان تألیف پرفسور آرتور کریستن سن ترجمهء رشید یاسمی ص ۱۴۹

(۴۷) - ر.ک بتاریخ تمدن ایران ترجمهء جواد محیی ص ۱۸۶

(۴۸) - yisse?sse سعید نفیسی در تاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۱۵۷ یس سه سه ضبط کرده است.

(۴۹) - tai?-tosung از امپراطوران بزرگ چین و از دودمان تانگ بود و در زمان او چین بیگمان بزرگترین و متمدنترین دولت جهان بود چون درگذشت ماتم مردم را حدی نبود و حتی فرستادگان خارجی خود را با کارد نیزه مجروح کردند و خونی را که از تن خود گرفته بودند بر تابوت خاقان متوفی افشانند. ر.ک تاریخ تمدن ویل دورانت

(۵۰) - الفهرست ترجمهء رضا تجدد ص ۲۰

mo-se-pan -(۵۱)

huo-ju-ce?e -(۵۲)

tu-ho-lo تو هولو می گفتند. -(۵۳)

۹-۱۰- (۵۴) کتاب ایرانشاه، تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هندوستان تألیف پورداود اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ یزد گردی ص ۹-۱۰

۵۵) - pilousse? مرحوم سعید نفیسی پیلوسه را (فیوز) ذکر کرده که درست تر بنظر می آید ص ۱۵۹ تمدن ایران ساسانی.

kao-tsong -(۵۷)

tsi-ling -(۵۸)

ni-ni-se -(۵۹)

pei hing-kien -(۶۰)

king-lung -(۶۱)

pu-chan-huo -(۶۲)

۶۳) - تألیف شادروان ابراهیم پور داود ص ۱۰